



دانشگاه زنجان

فصلنامه تأملات اخلاقی

دوره سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۲)، زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۴۵-۶۳.

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۱۱۵۹

شاپا چاپی: ۲۶۷۶-۴۸۱۰

مقاله مروری

doi 10.30470/er.2022.559789.1157

چیستی فروتنی فکری و راه‌های پرورش آن

صادق میراحمدی^۱

چکیده

با نگاهی گذرا به پیرامون خود با انسانهایی مواجه می‌شویم که خواسته یا ناخواسته ارزش‌های اخلاقی و معرفتی را نقض می‌کنند و به دنبال پیدا کردن راه‌های متعددی برای توجیه رفتار غیر اخلاقی و غیر فکری خود هستند. برای مقابله با این مشکل، لازم است نسبت به فهم و پرورش فضیلت فروتنی فکری توجه ویژه‌ای شود. فروتنی فکری به ما کمک می‌کند تا از اعتماد بیش از حد در بیان آنچه فکر می‌کنیم درست است یا آنچه می‌دانیم اجتناب کنیم. فروتنی فکری نه تنها باعث انس و الفت و تعامل بین انسان‌ها می‌شود بلکه باعث می‌شود انسان‌ها در دستیابی به حقایق، عملکرد بهتری داشته باشند. هدف این پژوهش تبیین و بررسی چیستی فروتنی فکری و ضرورت و نقش آن در کسب دانش و معرفت و ارائه راهکارهای برای پرورش و تقویت آن است. این پژوهش با روش تحلیل مفهومی و از نوع پژوهش‌های کیفی است. جامعه پژوهش شامل کتاب‌ها و مقالاتی است که درباره فروتنی فکری و نقش آن در کسب دانش و معرفت مطرح شده است. نتیجه این مطالعه نشان داد که آموزش فروتنی فکری به دانشجویان یکی از مهم‌ترین وظایف اساتید است و جایگاه آن در کمک به دانشجویان برای اکتساب معرفت و دانش، خودکفایی و کسب آمادگی برای دوران بزرگسالی و نقش مهم آن در زندگی سیاسی و اجتماعی بدون جایگزین است. معرفی رذایلی که در مقابل فروتنی فکری است، شبیه شدن به الگوها، مدل‌سازی فروتنی فکری، تمرین سخاوتمندی و سپاسگذاری و پرورش فروتنی فکری از طریق ذهنیت رشدگرا از مهمترین راه‌های پرورش این فضیلت فکری است.

واژه‌های کلیدی: فضیلت، فروتنی فکری، آموزش، محدودیت، غرور، اعتماد به نفس.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران، mirahmadi@sku.ac.ir

مقدمه

هدف از کسب علم و معرفت رسیدن به حقیقت است. در این مسیر اگر توانایی‌های ذهنی خود را بیش از حد در نظر بگیریم، یعنی دارای غرور^۱ و تکبر^۲ فکری باشیم یا توانایی‌های ذهنی خود را پایین تر از آن چیزی که هستند، در نظر بگیریم، یعنی به لحاظ فکری از اعتماد به نفس کافی برخوردار نباشیم، در هر دو صورت ما مقصر و گناهکار هستیم. به همین دلیل است که لازم است دربارهٔ فروتنی فکری بیشتر بیاموزیم؛ زیرا فروتنی فکری^۳ فضیلتی است که برای درک درست از نقاط ضعف و نقاط قوت ذهنی ما لازم است.

فروتنی فکری از فضایی است که انسان باید آن را در خود پرورش دهد؛ زیرا انسان‌ها فروتن به دنیا نمی‌آیند؛ هر چند این امکان وجود دارد که برخی استعداد بیشتری برای فروتنی در خود داشته باشند. به همین دلیل باید روش‌های کسب آن را آموزش داد. در واقع فروتنی فکری در امر آموزش بسیار لازم و ضروری است؛ زیرا آگاهی از نادانی خود جدا از آنکه کمک می‌کند ما قضاوت نادرستی دربارهٔ عقاید و دیدگاه‌های دیگران نداشته باشیم، باعث می‌شود باورها و عادت‌های فکری نادرستی را که عامل ایجاد یادگیری ناقص هستند، تشخیص دهیم.

شخصی که بهره‌اندکی از فروتنی فکری دارد، چگونه می‌تواند به یک سطح وسیع‌تری از فروتنی فکری منتقل شود؟ ایده اصلی که در این پژوهش ارائه می‌شود، عبارت است از اینکه فروتنانه عمل کردن مستلزم داشتن درکی درست از مفهوم فضیلت فروتنی فکری است. از سویی دیگر، اگر کسی درک درستی از فروتنی فکری داشته باشد، اما در عمل وی فروتنی فکری نمایان نباشد، یعنی آن را بروز ندهد، در این صورت وی به لحاظ فکری انسان فروتنی نیست. هدف من در بخش نخست این پژوهش ارائه تبیین دقیقی از مفهوم فروتنی فکری و ضرورت پرداختن آن در بحث آموزش است. در بخش دوم نیز راه‌کارهایی برای معلمان و اساتید جهت پرورش فروتنی فکری در دانش‌آموزان و دانشجویان مطرح می‌کنم.

۱. پیشینه پژوهش

هر چند بحث دربارهٔ فروتنی فکری دارای سابقه‌ای کهن است، اما در دهه‌های اخیر معرفت‌شناسان فضیلت رویکرد جدیدی به این مفهوم داشته و در امر آموزش توجه ویژه‌ای به این فضیلت مبذول داشته‌اند. لیندا زاگزبسکی^۴ در کتاب فضایل ذهن (۱۹۹۶)، هتر باتلی^۵ در کتاب فضیلت رویکردی معرفت‌شناختی و اخلاقی (۱۳۹۷) رابرتز و وود^۶ در کتاب فضایل فکری (۲۰۰۷) جیسون بائر در کتاب ذهن پژوهشگر، بررسی فضایل فکری و معرفت‌شناسی (۲۰۱۱) به معرفی

1. pride
2. vain
3. intellectual humility
4. Linda Zagzebski
5. Heather Battaly
6. Roberts & Wood

ابعاد فروتنی فکری پرداخته‌اند. بائر^۱ در سال (۲۰۱۶) کتابی را در زمینه نقش فضایل فکری در فرایند آموزش و یادگیری ویراستاری کرد که مشتمل بر مجموعه مقالاتی است که هر یک از آنها را معرفت‌شناسان فضیلت و فیلسوفان تعلیم و تربیت معاصر نگاشته و امکان استفاده از فضایل فکری در امر آموزش را مورد تحلیل و ارزیابی انتقادی قرار داده‌اند.

تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است، هیچ اثر مستقلی به تبیین چیستی فروتنی فکری و راه‌کارهای آموزش و کسب آن پرداخته؛ هر چند در کتاب‌ها و مقالات به صورت مختصر ابعادی از فضیلت فروتنی فکری تبیین شده است. مهدیه تک فلاح و همکاران مقاله‌ای با عنوان «فضیلت فروتنی فکری در فرآیند استنباط احکام شرعی» نگاشته‌اند (۱۳۹۷). جاهد و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فروتنی بر اساس اندیشه‌های فیلسوفان اخلاق معاصر غربی» به تحلیل فیلسوفان معاصر غربی درباره فروتنی پرداخته‌اند (۱۳۹۳). سحر کاوندی و محسن مجاهد مقاله‌ای با عنوان «چیستی فروتنی: بررسی تطبیقی دیدگاه‌های اخلاقیون مسلمان و فیلسوفان اخلاق غربی» نگاشته‌اند (۱۳۹۴). امیر حسین خداپرست در کتاب باور «دینی و فضیلت فکری: تحول اخلاق باور دینی در تعامل با معرفت‌شناسی فضیلت‌گرایانه زاگزبسکی» در فصل چهارم بخشی را به بحث درباره باور دینی و فروتنی فکری اختصاص داده است (۱۳۹۷). مسعود صادقی نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل سه تلقی و تعریف از تواضع؛ رویکردهای ارسطو، آگوستین و جولیا درایور» (۱۳۹۹) با رویکردی اخلاقی به تبیین مفهوم تواضع اخلاقی از دیدگاه این سه فیلسوف پرداخته است. نگارنده مقاله‌ای با عنوان «بررسی اهمیت فضایل فکری در آموزش و چگونگی اکتساب آنها» (۱۴۰۰) نگاشته که در آن اهمیت فضایل فکری به صورت کلی و راه‌کارهایی برای اکتساب آنها بیان شده است.

از آنجا که تاکنون هیچ پژوهش مستقلی درباره اهمیت فروتنی فکری و راه‌های آموزش و یادگیری آن به زبان فارسی نگاشته نشده است و در زبان انگلیسی نیز پژوهش‌ها در این زمینه به تازگی آغاز شده، این پژوهش می‌تواند ضمن آشکار نمودن زوایای بحث افق‌های نوینی را برای پژوهشگران فارسی‌زبان ترسیم کند. همچنین نتایج این پژوهش در آموزش عالی، آموزش و پرورش و حوزه علمی به عنوان متولیان امر آموزش، کاربرد مؤثری دارد.

۲. فروتنی فکری

معرفت‌شناسی فضیلت^۲، برخلاف جریان رایج فلسفه تحلیلی معاصر که بر توجیه باورهای فردی تأکید می‌کند، به حالت‌های کلی فاعل شناسا و صاحبان باوری که دارای فضایل فکری هستند، تأکید می‌کند. توجه اصلی آن‌ها در بررسی‌های معرفت‌شناسانه خودشان، عامل‌ها و اجتماع‌های معرفتی و قوا، منش‌ها و عادت‌هایی است که عقل آن‌ها را به وجود می‌آورد (Turri & Sosa, pp.1-2). فضایل ویژگی‌ها و خصوصیتی هستند که انسان‌ها را اشخاص بهتری می‌کنند. به عبارت دیگر، فضایل ویژگی‌هایی هستند که شخص را به کمال می‌رسانند. در مقابل، رذایل عیب و نقص

1. Jason Baehr

2. virtue epistemology

هستند. رذایل خصوصياتی هستند که انسان‌ها را اشخاص بدتری می‌کنند (باتلی، ۱۳۹۷، صص ۲۰-۲۱). آن منش‌هایی که باعث معرفت خوب می‌شود، همان اموری هستند که ارسطو آن‌ها را فضایل فکری^۱ نامید و امروزه با عنوان فضایل شناختی یا معرفتی، شناخته می‌شوند. نظریه‌های معرفت‌شناختی که بر فضایل فکری تأکید می‌کنند، معرفت‌شناسی فضیلت نام دارند. در واقع معرفت‌شناسی فضیلت به بررسی و تحلیل ویژگی‌های منشی صاحبان باور می‌پردازد. در معرفت‌شناسی فضیلت، ارزیابی باور، توجیه و معرفت بر اساس فضایل فکری صورت می‌گیرد (Wright 2009, p. 93). فرایندها و عادت‌هایی که عواطف و امیال ما را مدیریت می‌کنند، فضایل اخلاقی^۲ و فضایل و عادت‌هایی که منجر به شکل‌گیری باور می‌شوند، فضایل فکری نام دارند (Zagzebski 1996, P. 56).

یکی از مسائل مهم در نظریه‌های معرفت‌شناسی فضیلت معاصر، بررسی فضایل فکری است. بحث درباره فضایل فکری را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: نخست توجه به مفاهیم عام و کلی درباره چيستی فضیلت فکری، جایگاه آنها و نقاط قوت و ضعف آنها در برابر سایر دیدگاه‌های معرفت‌شناسی معاصر؛ دوم بررسی فضایل فکری به صورت جزئی که شامل بررسی چيستی، اهمیت و چگونگی اکتساب هر یک از آنها است. موضوع این پژوهش به دسته دوم تعلق دارد.

درباره فروتنی فکری هنوز تعریفی که همه متفکران بر روی آن اتفاق نظر داشته باشند، ارائه نشده است. با بررسی دیدگاه اندیشمندان معاصر حداقل سه تعریف اساسی درباره فروتنی فکری وجود دارد. بر اساس دیدگاه نخست فروتنی فکری شامل علم داشتن به محدودیت‌های فکری فرد است. فروتنی فکری به معنی آگاهی از تعصب‌ها، پیش‌داوری‌ها، گرایش به خود فریبی و محدودیت دیدگاه خود است؛ یعنی فرد نسبت به موقعیت و شرایطی که در آن قرار دارد حساسیت داشته باشد که با وجود آگاهی از محدودیت‌های دانش خود این امکان وجود دارد به دلیل خود محوری دچار خودفریبی شود. این امر متضمن آگاهی از گرایش‌ها، تعصبات، محدودیت دیدگاه‌های فرد و گستره بی‌اطلاعی وی است. کسانی که معتقدند خیلی می‌دانند در صورتی که در واقع بهره‌اندکی از علم و دانش دارند، فکر می‌کنند که باورهای نادرست، تعصب‌ها، سوء برداشت‌ها و ... به صورت بدیهی جلوه می‌کند. این اشخاص حتی اگر در ظاهر فروتن باشند، از نظر فکری، متکبر هستند، زیرا محدودیت‌های دانش خود را نادیده می‌انگارند (الدر و پل، ۱۳۹۸، ص ۸۲؛ الدر و پل، ۱۳۹۹، ص ۳۲؛ Whitcomb and et-al 2015). مطابق این تفسیر فروتنی نوعی کم‌ارزش‌گذاری است (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸۰). در واقع فروتنی فکری به این امر بستگی دارد که هر فردی در امور معرفتی نباید ادعایی فراتر از آنچه در حقیقت می‌داند، داشته باشد. اگر ضعف فکری خاصی دارید یا موقعیتی که دارید به نوعی ضعیف است، به عنوان یک فرد دارای فروتنی فکری باید به‌دقت آن محدودیت‌ها را بشناسید و بر اساس آن عمل

1. intellectual virtue
2. ethical virtue

کنید. اشکالی که به این دیدگاه می‌توان وارد کرد این است که انسان می‌تواند برای استدلال‌های نادرست خود، از لحاظ فکری، فروتن باشد؛ یعنی یک شخص می‌تواند محدودیت‌های فکری خودش را بپذیرد، اما پذیرش این امر کمکی به وی در شناخت حقیقت نکند، بلکه حتی باعث شود در مسیر حقیقت نیز قرار نداشته باشد.

دیدگاه دوم بر بعد بین فردی این فضیلت تأکید دارد. بر اساس نظر رابرتز و وود^۱ فروتنی فکری به معنای آن است که نگران نباشیم چگونه عقل یا فعالیت‌های فکری فرد (مانند ایده‌ها و بینش‌ها) بر موقعیت اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد. شخص فروتن کسی است که تمامی و یا تعدادی از این رذایل را دارا نباشد: از خودراضی^۲، متکبر، سلطه‌گر (لذت از حکمرانی بر دیگران یا تأثیرگذاری بر آنها)، خودمختاری بیش از اندازه^۳ (محرک قوی برای خودبینی)، گزافه‌گویی^۴، خودپسندی^۵، خودبین^۶، کبر^۷، حسادت^۸، خودسری^۹ و غیر (Roberts and wood, 2007, p.209). این رذایل همگی در این مشخصه مشترک هستند که دربرگیرنده نگرانی نامناسب نسبت به حساسیت به جلال و شکوه، افتخار، جایگاه، تشخیص، شخصیت، اعتبار، توجه مطلوب یا برتری هستند. رذایلی که در برابر فروتنی فکری قرار دارند، دو ویژگی قابل توجه دارند: نخست اینکه وقتی ما آنها را در دیگران می‌بینیم، از آنها متنفر می‌شویم؛ دوم اینکه ما آنها را در خودمان مشاهده نمی‌کنیم و زمانی که سعی می‌کنیم آنها را در خودمان ببینیم با شکست مواجه می‌شویم (King, 2021, p.108).

اشکال این دیدگاه عبارت است از اینکه دست‌کم گرفتن خود، شرط کافی برای فروتنی فکری نیست؛ چرا که ممکن است علی‌رغم آنکه صاحب باور، قوای معرفتی و فکری خود را دست‌کم می‌شمارد، در مواجهه با اشکالات و انتقادات همچنان بر دلیل یا شواهد نادرست خود اصرار بورزد. همچنین آن نگرانی (نگرانی نامناسب نسبت به افتخار، شأن شخصی و ...) که رابرتز و وود ادعا می‌کنند برای فروتنی فکری کافی است، می‌تواند به وسیله رفتارهای رذیلت‌مندانه همچون خودشیفتگی خود را نشان دهد. همچنین شرط لازم برای فروتنی فکری نیز نیست؛ زیرا کسی که از فضیلت فروتنی فکری برخوردار است، هرچند توجه خاصی به استعدادها و توانایی‌های فکری خود ندارد، اما از آنها آگاه است و می‌تواند در مواقع لازم، آنها را به خوبی مطرح سازد (خداپرست، ۱۳۹۷، ص ۳۷۵).

دیدگاه سوم بر بعد معرفتی فروتنی فکری تمرکز دارد و سعی می‌کند این امکان را در ذهن نگه دارد که فروتنی فکری حد فاصل بین دو رذیلت، تکبر فکری و عدم اعتماد به نفس فکری است. بر اساس این دیدگاه فروتنی فکری

1. Roberts and wood
2. Snobbishness
3. hyper-autonomy
4. pretentiousness
5. self-righteousness
6. hughtiness
7. arrogance
8. envy
9. conceit

به عنوان تمایلی برای ردیابی دقیق اینکه آیا باید برخی باورها را دانش بدانند یا نه، درک می‌شود. همچنین نباید اعتماد بیش از حد به باورهای خود داشته باشیم، اما زمانی که باید آن‌ها را محکم نگه داریم، نباید به صورت سرسری به آنها باور داشته باشیم بلکه بر صحیح بودن آنها استوار باشیم (Barrett, 2017, pp.1-2).

من با این دیدگاه موافق هستم که فروتنی فکری، حد وسط بین دو رذیلت است. فردی که متکبر فکری است از فروتنی فکری بی‌بهره است. کسی هم که از اعتماد به نفس فکری کافی برخوردار نیست و به طور دائم خودش را تحقیر می‌کند، نیز از فروتنی فکری بی‌بهره است. در واقع فروتنی فکری فضیلتی است که در برگیرنده تمایلاتی همچون احترام به توانایی‌ها و دستاوردهای دیگران، تمایل به پذیرش انتقادات درست نسبت به اعمال و افکار خود، تمایل به گوش دادن محترمانه به نظرات دیگران و غیره است. انسانی که از فروتنی فکری برخوردار است، با علم به خصوصیات و ویژگی‌هایی که در خود بزرگ‌بینی‌های فکری است، با آنها مخالف است. در واقع کسی که از فروتنی فکری برخوردار است، آمادگی پذیرش دیدگاه‌های متفاوت از دیدگاه خود را دارد و به تغییر عقاید و باورهای خود در صورت لزوم تمایل دارد؛ همچنین تمایل دارد که در مورد درستی باورهای خود بیشتر بداند.

انسانی که از فروتنی فکری برخوردار است، حتی اگر آشکارا از دیگران عالم تر باشند، به آنها نمی‌گوید که باید به چه چیزی باور داشته باشند؛ بلکه به دنبال تعامل فکری واقعی با دیگران است تا به آنها کمک کند خودشان به حقیقت دست پیدا کنند. در واقع آنها می‌خواهند دیگران منفعلانه حقیقت را نپذیرند. همچنین وی اعتماد نفس قوی نیز دارد؛ یعنی آنجا که با دلایل و شواهد به قضاوت خود اطمینان دارد بر روی باورها و عقاید خود استوار و ثابت قدم است. این مطلب ارتباطی با تکبر ندارد. وی با شهادت به باورها و عقاید خود باور دارد. با وجود این به گونه‌ای رفتار می‌کند که بیان‌گر احترام واقعی به دیگران است. بنابراین هیچ تعارضی بین فروتنی فکری و اعتماد به نفس فکری وجود ندارد (Pritchard, 2020, p.405).

بنابراین فروتنی فکری دارای سه جزء کلیدی است:

الف) توجه به محدودیت‌ها و نقاط ضعف فکری خود: یعنی به ضعف‌ها و محدودیت‌های فکری خود توجه کنیم البته وسواس زیاد، در اینجا خوب نیست؛ اما نادیده انگاشتن موضوع نیز شایسته نیست. باید بتوانیم با در نظر گرفتن افراط‌ها و تفریط‌ها مسیر خودمان را برای اندیشیدن به میزان درست، هدایت کنیم. در واقع رذیلت‌های همچون غرور فکری، تکبر فکری، خودبینی و ... باعث می‌شوند که ما از مسیر اصلی تفکر که هدف آن دستیابی به معرفت و حقیقت است منحرف شویم.

ب) ارزیابی دقیق از ضعف‌های فکری خود: همانطور که تمرکز بیش از حد بر توانایی‌های فکری خود رذیلت است، دست کم گرفتن آنها نیز رذیلت است. صرف توجه به محدودیت‌ها و نقاط ضعف فکری باعث نمی‌شود که شخص از فروتنی فکری برخوردار باشد؛ یعنی در ارزیابی‌های خود بر اساس فروتنی فکری برخورد نکرده‌ایم.

انسان‌های فروتن محدودیت‌های خود را دست کم نمی‌گیرند، اما از دست بالا گرفتن محدودیت‌ها نیز دوری می‌کنند. (ج) مدیریت و تسلط بر نقاط ضعف و نقاط قوت خود: اگر انسان از نقاط ضعف و نقاط قوت خود آگاه باشد و ارزیابی دقیقی از آنها داشته باشد، باز امکان این هست که به حقیقت دست پیدا نکند. بنابراین فروتنی عقلی جزء سومی نیز دارد و آن تسلط و مدیریت بر نقاط ضعف و قوت فکری خود است. انسان تنبلی را در نظر بگیرید که ارزیابی دقیقی از ضعف‌های فکری خود دارد؛ نقاط قوت خود را نیز می‌شناسد و به آنها اهمیت می‌دهد؛ اما برای برطرف کردن آنها تلاش نمی‌کند. انسان‌های فروتن اشتباه‌های خود را می‌پذیرند و زمانی که پاسخ سوالی را نمی‌دانند، به ندانستن خود اعتراف می‌کنند؛ در عین حال برای برطرف کردن نقاط ضعف خود نیز تلاش می‌کنند و سعی می‌کنند آنها را اصلاح کنند (See: King, 2021, pp. 108-126).

کسی که از فروتنی فکری برخوردار است هر یک از این اجزاء را به صورت مداوم و بر اساس عادت از خود نشان می‌دهد و این کار را با انگیزه‌های فکری صحیح همچون به دست آوردن حقیقت و دوری از کذب انجام می‌دهد. فروتنی فکری به بهبود وضعیت معرفتی انسان‌های فضیلت مند کمک می‌کند؛ به عبارت دیگر هدف آن کمک به کسب علم و معرفت و دوری از جهل و نادانی است. مهم است که بدانیم مشکل در اعتماد و اعتقاد به باورها نیست. باورها می‌توانند از نظر معرفتی مناسب باشند؛ در این صورت نباید پنهان شوند؛ بلکه باید آشکارا بیان شوند. مهم این است که فرد در عین اعتماد به باورهای مناسب و موجه خودش به باورهای دیگران احترام گذارد. این امر با فروتنی فکری سازگار است. انسان‌های فروتن نقاط ضعف و نقاط قوت فکری خود را می‌دانند و آنها را مدیریت می‌کنند. دانش و مهارت‌های فکری خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند تا حقایق جدیدی را بیاموزند. این همان مطلبی است که همه ما در زندگی عمومی خود به آن نیاز داریم و برای رسیدن به آن باید تلاش کنیم. بدین منظور باید به دانش آموزان و دانشجویان فروتنی فکری را آموزش دهیم تا با درک تصور صحیح از فروتنی فکری برای اکتساب آن تلاش کنند.

۳. اهمیت آموزش فروتنی فکری

برای آنکه به اهمیت و ضرورت پرداختن به بحث فضیلت فکری به صورت عام و فروتنی فکری به صورت خاص پی‌بریم، لازم است به نکات زیر توجه کنیم:

الف) هرچه انسان‌ها فروتن و از تکبر به دور باشد، موقعیت بهتری برای یادگیری دارند. یکی از مزایای شخصی که از فروتنی فکری برخوردار است، این است که به لحاظ فکری می‌داند و می‌پذیرد که محدودیت‌هایی دارد. به همین دلیل انگیزه‌های زیادی برای یادگیری دارد و تلاش می‌کند از اساتید و اطرافیان خود یاد بگیرد. در مقابل انسان‌هایی که دارای غرور و تکبر فکری هستند، آمادگی اندکی برای یادگیری دارند؛ زیرا آنها علم و معلومات خود را کافی و با ارزش می‌دانند و شناخت مطالب و یادگیری‌ها جدید، چندان برای آنها اهمیتی ندارد.

ب) فضیلت فکری توصیف مناسبی از برخی اهداف و غایات آموزشی فراهم می‌آورد؛ به عنوان مثال از یک

آموزش خوب انتظار داریم تا به دانش‌آموزان و دانشجویان کمک کند که پرسش‌های خوبی را مطرح کند (کنجکاوی)؛ دیدگاه‌های بدیل را در نظر بگیرد (گشوده ذهنی)^۱؛ به جزئیات مهم توجه کند (دقت فکری)^۲؛ خطرهای فکری کند (شجاعت فکری)^۳ و بر دیدگاه‌هایی که دلایل معتبر در تأیید آن‌ها دارند و مورد چالش واقع می‌شوند ایستادگی کنند (ایستادگی فکری)^۴؛ به محدودیت‌های فکری خود آگاهی داشته باشند (فروتنی فکری). همچنین فضایل فکری یک روش معقولی را فراهم می‌آورند تا اهداف آموزشی همچون «دوستار دانستن»^۵، «یادگیری دائمی»^۶ و «تفکر انتقادی»^۷ به تفصیل و به صورت عمیق توضیح داده شوند. بنابراین معرفت‌شناسی فضیلت برخی از اهداف مهم آموزش را برآورده می‌سازد. بدون فهم عمیق و دقیق «دوستار دانستن»، «یادگیری دائمی» و «تفکر انتقادی» هم آموزگاران و هم دانش‌آموزان در دستیابی به اهداف آموزش عقب می‌افتند؛ یعنی فضایل فکری به صورت خاص می‌توانند اهداف آموزشی خاصی را انتقال دهند و به معلمان و اساتید کمک کنند تا «دوستار دانایی» را پرورش دهند؛ به دانش‌آموزان و دانشجویان کمک می‌کنند تا «یادگیری دائمی» و «تفکر انتقادی» داشته باشند. بنابراین کاربرد فضایل فکری نه تنها برای فیلسوفان و پژوهشگران مفید است، بلکه به معلمان و اساتید و دانش‌آموزان و دانشجویان نیز سودمند است (Baehr, 2016, p. 4). متصف بودن به فروتنی فکری جدا از آنکه میل به اکتساب دانش و دوستار دانایی بودن را تقویت می‌کند باعث می‌شود که انسان با علم به دشواری تحقیق، به طور دائم در حال یادگیری باشد و متمایل باشد که با رویکرد انتقادی دانسته‌های خود را گسترش دهد. یکی از دلایل بی‌اعتنایی انسانی که متصف به فروتنی فکری است، نسبت به تعریف‌ها و تمجیدها، عبارت از این است که برای دستیابی به اهداف فکری همچون حقیقت، آنها ضروری نیستند. همچنین پذیرش محدودیت‌های فکری خود و ارزیابی و مدیریت و تسلط بر نقاط ضعف و قوت فکری خود، به سخت‌کوشی دانش‌آموزان و دانشجویان کمک می‌کند.

ج) در امر آموزش مواردی پیش می‌آید که معلم‌ها و اساتید برای توضیح مطالب جدید و دشوار برای کسانی که با آن مسئله‌آشنایی ندارند، خود نیز بینش جدیدی درباره آن موضوع به دست می‌آورند و به نکات و مسائل جدیدی آگاهی پیدا می‌کنند. یا سؤالاتی مطرح می‌شود که پاسخ آنها را نمی‌دانند. استاد و معلمی که از فروتنی فکری برخوردار است، با جدی گرفتن این سؤالات به دنبال پاسخ برای آنها می‌گردد. مزین بودن به فروتنی فکری باعث می‌شود که معلمان و اساتید در معرض تکامل دائمی قرار بگیرند و یافته‌های جدید منطبق بر واقعیت را جایگزین یافته‌ها پیشین خود کنند.

1. open-mindedness
2. attentiveness
3. intellectual courage
4. intellectual tenacity
5. Love of learning
6. lifelong learning
7. critical thinking

د) هر فضیلتی به دلیل متفاوتی دارای ارزش است، اما ارسطو بر این باور بود که پاسخ عام‌تری نیز می‌توان به این پرسش داد: فضایل مهم هستند؛ زیرا شخص با فضیلت زندگی بهتری خواهد داشت (ریچلز، ۱۳۹۶، ص ۲۹۱). این سخن دربارهٔ فروتنی فکری نیز صادق است. متصف بودن به فضیلت فروتنی فکری جدا از آنکه باعث می‌شود، فرد زندگی بهتری داشته باشد، برای سایر انسانها سودمند است به همین دلیل باعث می‌شود جهان بهتری نیز داشته باشیم. بنابراین لازم است در آموزش و پرورش به این فضیلت توجه ویژه‌ای شود.

۴. آموزش فروتنی فکری

فیلسوفان و متخصصان تعلیم و تربیت از دیرباز بر این باور هستند که آموزش‌های رسمی نقش مهمی در پرورش و شکوفا ساختن فضایل فکری همچون کنجکاوی، گشودگی ذهنی، شجاعت فکری، فروتنی فکری، بخشش معرفتی^۱ و ... دارند. این سخن که آموزش باید در جهت پرورش فضایل باشد، هم ارزشمند و هم مورد قبول اغلب انسان‌های معاصر است. یکی از اهداف اصلی آموزش، پرورش و تقویت ویژگی‌های منشی (فضایل) در دانش‌آموزان و دانشجویان است. این امر مستلزم این است که روش‌های آموزشی باید به دانش‌آموزان و دانشجویان کمک کنند تا فضایل را در خود تقویت و پرورش دهند (Pritchard, 2020, p. 398). بنابراین یکی از وظایف و نقش‌ها مهم آموزش، تقویت و پرورش شخصیت فکری و فضایل فکری دانش‌آموزان و دانشجویان است.

کوتزه^۲ بر این باور است که «آموزش باید از منش فکری خوب به دست آید» (Kotze, 2014, p. 8)؛ ادعایی که مورد قبول نویسنده این مقاله نیز هست. مسئله و پرسش اصلی این مقاله عبارت است از اینکه فروتنی فکری چیست و چگونه می‌توان به انسانی که از نظر فروتنی فکری دارای نقص و کمبود هست، این فضیلت را آموزش داد. در بخش قبل سعی کردیم تبیین دقیقی از چیستی فروتنی فکری ارائه کنیم. در این بخش راهکارهایی برای آموزش و پرورش این فضیلت ارائه می‌کنیم.

۴-۱. معرفی رذایل مقابل فضیلت فروتنی فکری

مردم عادی، حتی بچه‌های کوچک، اگر فضایل و رذایل درست به آنها معرفی شود، می‌توانند آنها را از هم تشخیص دهند. آنها به‌طور کامل می‌فهمند که انسان‌ها، از جمله خودشان، چگونه فکر می‌کنند و چه چیزی باعث انگیزش آنها می‌شود. افراد می‌توانند با تفکر در مورد مفاهیم فضایل، انگیزهٔ رشد آنها را در خود ایجاد کنند؛ چرا که ما به‌طور کاملاً طبیعی افکارمان را با استفاده از آنها در ارزیابی خودمان، به سمت خود معطوف می‌کنیم. آیا من شخص فروتنی هستم؟ آیا من در بیان آنچه که گفتم (فروتن بودن) ریاکارانه رفتار کرده‌ام؟ چرا زمانی که افراد خاصی با من صحبت می‌کنند، من به آنها توجه نمی‌کنم؟ در این حالت ذهن من به کجا مشغول است؟ چه چیزی باعث می‌شود من اینگونه

1. intellectual generosity
2. Kotzee

رفتار کنم؟ آیا می‌توان گفت که من یک خودبین فکری هستم؟ آیا من به شکل تحقیرآمیز به دیگران نگاه می‌کنم، فقط به خاطر این که آنها هم مسلک من نیستند یا به گروه خاصی از نجبگان تعلق ندارند؟ آیا من بیش از اندازه نگران این هستم که مردم در مورد من چگونه فکر می‌کنند؟ آیا وقتی مردم اشتباهات فکری من را تصحیح کنند، به غرور و خودبینی من لطمه می‌خورد؟ آیا من از بیان چیزی که ممکن است اشتباه، گمراه کننده یا ساده لوحانه تلقی شود، خجالت زده می‌شوم؟ دانشجویان جوان‌تر ممکن است زبان رذایل غرور، خودبینی، پرادعائی، خودستایی، تکبر، تحکم، خودرأیی، خودخواهی، حسادت را عجیب و بیگانه بدانند. اگر چنین باشد، استاد می‌تواند با بیان مثال‌هایی از زندگی و داستان‌های دانشجویانی که می‌شناسد، عهده دار آموزش این دسته از مفاهیم (و البته مفهوم فروتنی) به آنها گردد (Roberts, 2016, p.199).

به عنوان مثال، مرکام دانشجوی سال اول دانشگاه تهران است. وی در ترم اول به‌طور دائم خودش را با دانشجویان دیگر مقایسه می‌کند و بر این باور است که به لحاظ ذهنی انسان با استعدادی است و از همکلاسی‌های خود برتر است. نقطه ضعف وی این است که استعداد خوبی در نوشتن ندارد. وی از این مطلب آگاهی دارد و نسبت به آن حساس نیز است. با وجود آن که ذهن تحلیلی قوی‌ای دارد، به دلیل ضعف در نوشتن، نمره بالایی در درس منطق نمی‌گیرد. بنابراین مرکام خودش را به خاطر این نقطه ضعف سرزنش می‌کند و سعی می‌کند آن را برطرف کند. وی این کار را به خاطر اکتساب علم و دانش انجام نمی‌دهد، بلکه به دنبال آن است که برتری خود را نسبت به سایر هم کلاسی‌ها نشان دهد؛ زیرا به دلیل غروری که دارد نمی‌تواند تحمل کند که در کلاس کسی بهتر از وی باشد. این امر باعث می‌شود در اولین سال حضورش در دانشگاه موفق نشود و کمتر از آنچه که باید یاد بگیرد، یاد گیرد (King, 2021, p.110).

زبان این رذایل در بهترین حالت کلمه، قضاوتی است و به دانشجویان استانداردهای ارزیابی شخصی را می‌دهد و به آنها قدرت تبعیض اخلاقی را اعطا می‌کند. زمانی که استاد رذیلت غرور را مشخص نمود و از دانشجویان خواست تا نمونه‌های از آنها را در زندگی خود و داستان‌ها بیان کنند، سپس او از آنها خواهد خواست که آیا تابحال خودشان تفکر یا عمل این‌چنینی داشته‌اند و اگر چنین بوده است، آنها چگونه می‌توانند افکار، احساسات و اعمال خود را فروتنانه‌تر کنند.

۴-۲. شبیه شدن به الگوها

یکی از عواملی که باعث رشد و تقویت فروتنی فکری می‌شود، الگوهای اخلاقی و اقتدا به الگوهای مناسب در این زمینه است. شناخت الگوها باعث می‌شود عکس العمل مناسب‌تری داشته باشیم. داشتن الگوها به این معنا است که بخواهیم شخص خاصی شویم؛ بخواهیم فلان ویژگی منشی (مثلا فروتنی) را داشته باشیم. به همین دلیل است که استفاده از الگوهای اخلاقی همچون سقراط و ... نقش مهمی در تعلیم و تربیت اخلاقی و خودسازی دارند و این امر یکی از دلایل مهم نوشتن و خواندن سرگذشت‌ها، داستان‌ها و رزم‌نامه‌هایی است که در آنها نمونه‌هایی از

شخصیت‌های اخلاقی، حتی اگر قهرمان یا قدیس هم نباشند، به تصویر کشیده شده‌اند (فرانکنا، ۱۳۷۶، صص ۱۴۹-۱۴۸). افلاطون بر این باور بود که ما از کودکی باید به انگیزش‌ها و اعمال انسان‌های فضیلت‌مند تشبه بجویم و آن‌ها را الگوی خودمان قرار دهیم. وی در رساله جمهوری می‌گوید: نگاهبانان آینده را باید از طریق شبیه شدن به الگوهای فضیلت، تشویق کرد؛ زیرا شبیه شدن‌هایی که از کودکی در پیش گرفته می‌شوند، جزئی از ذات کودک می‌شوند و به عادت‌های رفتاری و گفتاری و فکری تبدیل می‌شوند (افلاطون، ۱۳۸۰، صص ۹۰۲). ارسطو نیز بر این باور است که فضیلت از طریق شبیه شدن به الگوهای فضیلت آموخته می‌شود.

زاگزبسکی معتقد است که مراحل یادگیری فضایل فکری به‌طور دقیق متناظر با مراحل یادگیری فضایل اخلاقی است که به‌وسیله ارسطو توصیف شده است. این مراحل با تقلید از اشخاص دارای فضیلت آغاز می‌شود، پس از انجام تمرین، احساسات و اعمال خاصی عادت می‌شوند (Zagzebski, 1996, pp. 150-158)؛ برای مثال فروتنی فکری را در نظر بگیرید. انسان می‌تواند فروتنی فکری را از طریق تقلید از شخص فروتنی به دست بیاورد. چنین تقلیدی نه تنها مستلزم آموزش احساس بلکه همچنین مستلزم آموختن این است که چگونه موقعیت‌هایی را بشناسیم که در آن از لحاظ فکری، فروتنی ارزشمند است. معمولاً زمان‌هایی وجود دارد که شخص می‌داند چه کاری باید انجام دهد، اما توانایی انجام آن کار را ندارد. ارسطو می‌گوید چنین شخصی از اکراسیا (ضعف اراده) رنج می‌برد. این شخص به تدریج یاد می‌گیرد که بر این ضعف غلبه کند و بیش‌ازپیش در شرایط لازم قادر است که به‌صورت فروتنانه عمل کند؛ نسبت به زمانی که این وسوسه شدید نیست. در چنین مرحله‌ای او به لحاظ فکری شخص خویشتن‌داری است؛ اما تنها پس از آنکه انجام این کار برای وی آسان شود و ضرورتی برای غلبه بر این وسوسه متضاد وجود نداشته باشد به‌درستی گفته می‌شود که او دارای فضیلت فروتنی فکری است. وقتی او برای مدت طولانی فروتن بود، دیگر ممکن نیست که حتی با وسوسه متضاد مواجه شود و سرانجام فروتنی را همچون یک فعالیت خوشایند درک می‌کند.

در اغلب موارد دستیابی به فضیلت فکری مستلزم پرورش احساسات است. این توانایی که انسان دارای فروتنی فکری را تشخیص دهیم، تا حدی مستلزم آموزش احساساتی است که به شخص اجازه می‌دهد حکم قابل‌اعتمادی درباره فروتنی فکری دیگری بیان دارد. کسی که نه فضیلت فکری دارد و نه رذیلت فکری، کسی است که نه دارای فضیلت اخلاقی است و نه رذیلت اخلاقی. او نه با رذیلت آغاز می‌کند و نه به فضیلت دست پیدا می‌کند.

شایسته است که تبیین درباره اکتساب فضایل را با نام بردن از برخی رذایل فکری آغاز کنیم؛ زیرا در بسیاری از موارد، آموختن فضیلت مستلزم غلبه بر وسوسه‌هایی است که با نمونه رذیلت مقابل نشان داده می‌شود. نمونه‌هایی از رذایل عبارت‌اند از: خودبینی، پرادعائی، خودستایی، غرور، تکبر، تحکم، خودرأیی، خودخواهی، حسادت. به‌هرحال اگر ما با رذیلت آغاز کنیم، می‌توانیم دامنه متفاوتی از منش فکری را ببینیم و اینکه چگونه آن‌ها مطابق با دامنه متفاوتی از منش‌هایی اخلاقی هستند. بنابراین فضایل فکری همچون فضایل اخلاقی مرحله‌به‌مرحله پرورش می‌یابند. این مراحل با شبیه شدن به

انسان‌های فضیلت‌مند آغاز می‌شوند و سپس با تکرار عمل و از طریق عادت به ملکه در شخص تبدیل می‌شوند.

۴-۳. مدلسازی فروتنی فکری

یکی از بهترین راه‌ها برای آموزش و اکتساب فروتنی فکری، تفکر در زمینه‌هایی است که این فضیلت را ایجاد می‌کند؛ به عنوان مثال، اگر به خاطر گرفتن نمره کامل در یک آزمون، کسی به شما تبریک بگوید، پاسخ مناسب این است که بیان نکنید که خیلی باهوش هستید. کسی که از فروتنی فکری برخوردار است، مایل نیست که نگران این موضوع باشد که چه قدر باهوش و با استعداد است؛ زیرا تنها برخی از فعالیت‌های فکری هستند که برای به سرانجام رساندن آنها لازم است انسان از هوش و استعداد خاصی برخوردار باشد.

به نظر می‌رسد استادی که مغرور نیست، اما از دانش خود خشنود و راضی است و از محدودیت‌های دانش خود آگاه است و آنها را می‌پذیرد، اما مشتاق به بالابردن دانش خود است، احتمالاً می‌تواند در دانش آموزان خود الهام بخش نگرش فروتنی فکری باشد. در مقابل این فرد، استاد دیگری را تصور کنید که سعی دارد تا محدودیت‌های معرفتی خود را پنهان کند، از موقعیت‌هایی که محدودیت‌های او را آشکار می‌کنند، اجتناب کند و از دانش خود در جهت حاکمیت بر دانشجویان استفاده کند، شاید حتی زمانی که دانشجویان چیزی را که باید بدانند، ندانند، به آنها کنایه بزنند. به نظر من چنین استادی، ماهرانه به دانشجویان خود این پیام را انتقال می‌دهد که کسب دانش در راستای اعتلای افراد موفق و تحقیر افراد شکست خورده است. استاد خوبی که از فروتنی فکری برخوردار باشد، چنان مشتاق به دانستن و درک مسائل پیرامون خود است که نقش آفرانه و تحکم‌آمیز خود را فراموش می‌کند و به دنبال لذت بردن از این خوبی‌ها به مانند کسی است که برای اولین بار آنها را تجربه می‌کند. بنابراین او عشق از خودگذشتگی به این موضوع را مدلسازی می‌کند (See Roberts, 2016, p.197).

۴-۴. تمرین سخاوت‌مندی^۱ و سپاسگزاری^۲

تمرین و تقویت سپاسگزاری و بخشش می‌تواند به رشد فروتنی فکری کمک کند. بخشش عبارت از میل به صرف کردن داشته‌های خود برای کمک به دیگران است. بخشش یک معنی اخلاقی و یک معنی معرفتی دارد. بخشش اخلاقی به این معنی است که انسانی از خودش به انسان دیگری خیری برساند؛ مثلاً اگر من به شما پولی بدهم، از پول خودم کم خواهد شد یا اگر وقت خودم را به شما اختصاص دهم، در آن صورت زمان کم‌تری برای پرداختن به کارهای خودم وجود دارد. بخشش معرفتی عبارت از بخشش دانسته‌های خود به دیگری است. مسئله‌ای که درباره بخشش معرفتی قابل توجه است اینکه در اینجا نه تنها چیزی از دانسته‌های ما کم نمی‌شود بلکه حتی این امکان نیز وجود دارد زمانی که دانسته‌های خود را با شخص دیگری در میان می‌گذارم دانسته‌های جدیدی نیز به دست آوریم

1. generosity
2. gratitude

(Zagzebski 2009, pp. 95-96). سپاسگزاری نیز فضیلتی است که دربرگیرنده احساسات سپاسگزارانه و واکنش مثبت هیجانی نسبت به افراد مهم زندگی (خدا، شخص یا هر ذات معنوی دیگر) است به خاطر تمام خوبی‌های که در حق ما انجام داده‌اند (شمشادی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۵). سپاسگزاری همچون یک تقویت کننده، احتمال تکرار رفتار از سوی نعمت‌دهنده نسبت به نعمت‌گیرنده را افزایش می‌دهد. به بیان دیگر، سپاسگزاری از نعمت‌دهنده باعث افزایش احتمال تکرار لطف و خوبی می‌شود (دشت بزرگی، ۱۳۹۶، ص ۶۷).

استاد فضایی را برای دانشجویان مهیا می‌کند تا بتوانند آنچه را که از والدین، اساتید و هم‌کلاسی‌های خود آموخته‌اند، به صورت شفاهی با هم به اشتراک بگذارند. این آموخته‌ها می‌توانند دربرگیرنده وقایع آموخته شده، توضیح و تفسیر در مورد چگونگی کار با اشیا یا مهارت‌های کاربردی مانند روش زدن طعمه به قلاب ماهیگیری یا نحوه بازی پینگ پونگ یا ماشین سواری باشند. آنها باید برای گفتن اینکه چرا آنها بابت داشتن این دانش یا فهم یا مهارت خوشحال هستند، یا اینکه چرا از آموختن چیزی از شخص خاصی خوشحال هستند، تشویق شوند. همچنین می‌توان کودکان را به سپاسگزاری (شفاهی یا کتبی) از شخصی که به آنها آموزش داده است، تشویق نمود و سپس چگونگی واکنش آن شخص به سپاسگزاری را گزارش داد. برخی از اساتید از اینکه از آنها سپاسگزاری شود، احساس شادمانی می‌کنند، در مقابل برخی ممکن است از این سپاسگزاری با «این که چیزی نبود» یا «من فقط وظیفه ام را انجام دادم» طفره روند. دانشجویان می‌بایست تشویق شوند تا در مورد این پاسخ‌های مختلف عکس‌العمل نشان دهند و سعی کنند آنها را توضیح دهند.

همچنین ممکن است دانشجویان تشویق شوند به زمان‌هایی فکر کنند که در آنها به کسی چیزی آموخته‌اند. آیا اینکه کسی چیزی از آنها آموخته است، باعث خوشحالی‌شان می‌شود؟ شاید بتوان هر دانشجو را به تفکر در مورد چیزی که او می‌تواند به شخص دیگر آموزش دهد، وادار کرد؛ به تفکر دقیق در مورد این که چگونه این دانش را با شخص دیگر به اشتراک بگذارد و سپس درواقع به آموزش این دانش به همکاسی دیگر خود پردازد. ممکن است تمرین تحسین دیگران، مشوق سخاوتمندی باشد. هر دانشجو مقاله دانشجوی دیگر را مطالعه کند یا عملکرد دانشجوی دیگری را درباره یک آزمایش یا نمایش مورد نظارت قرار دهد و وظیفه‌اش این باشد که تنها به دنبال برتری‌های آنها باشد و سپس بدون مقایسه آن عمل با عملکرد شخص دیگر، به نویسنده و یا شخص مد نظر فقط خوبی‌های کار او را بگوید. در اینجا هدف رتبه بندی و نسیت برتری‌ها نیست، بلکه واداشتن دانشجویان به تفکر در مورد خود برتری است. تمرین چنین سپاسگزاری و سخاوتمندی به منظور القای این نکته به دانشجویان است که ما همگی به بخاطر دانش‌مان مدیون دیگران هستیم. این احساس مدیون بودن درونی در زندگی بشر احساس زیبایی است؛ احساسی است که ما را به یکدیگر متعهد و ملزم می‌کند و به ما کمک می‌کند تا از همدیگر قدردانی کنیم. آموزش نوعی هدیه دادن و یادگیری نوعی هدیه گرفتن است. در زمان‌های مناسب، موقعی که تعالیم و تجارب کافی به اشتراک گذاشته شد،

استاد ممکن است تلاش کند تا دانشجویان را وادار به فرمول‌سازی از چنین مفهوم‌سازی‌های عام دریافت (آموزش دیدن و یاد گرفتن) و اعطا (آموزش دادن و یاد دادن) در فرایند یادگیری و آموزش نماید. برای دانشجویان سطوح بالاتر، این بحث به طبع باعث بروز سؤالی در مورد ابتکارگرایی و خودمختاری در مکاشفات فکری می‌گردد و استاد از این فرصت برای انتقال دادن این واقعیت، در چهارچوب احساسِ مدیون بودنِ دورنی فکری ما استفاده خواهد کرد (See: Roberts, 2016, pp. 197-198).

۴-۵. پرورش فروتنی فکری از طریق پرورش ذهنیت رشد گرا^۱

توجه داشته باشید در بحث یادگیری بسیاری از دانشجویان پس از مواجهه با سختی کار و شکست از انجام دادن آن کار دست می‌کشند. درمقابل، برخی دیگر با ناملایمات مقابله می‌کنند و به کار خود ادامه می‌دهند. آنها بر این باور هستند که می‌توانند بهتر عمل کنند. آنها بر روی نقاط ضعف خود کار می‌کنند و سعی می‌کنند آنها را برطرف کنند. کارول دوک^۲ این امر را ذهنیت رشد می‌نامد (Dweck, 2006, pp. 6-7). منظور از ذهنیت رشد این است که شخص ظرفیت فکری خود یعنی دانش‌ها و مهارت‌های ذهنی خود را با تلاش قابل تغییر می‌داند؛ به عبارت دیگر، زمانی که وی عملکرد ضعیفی از خود نشان می‌دهد، نمی‌گوید استعداد وی ضعیف است و دست از کار نمی‌کشد، بلکه در عین اینکه نقاط ضعف خود را می‌پذیرند، بیشتر کار می‌کنند تا عملکرد بهتری داشته باشند و با این ذهنیت عملکرد آنها به تدریج بهبود پیدا می‌کند.

ذهنیت رشد در موفقیت دانشجویان نقش اساسی دارد و به آنها کمک می‌کند تا در چالش‌های تحصیلی استقامت کنند، نقاط ضعف فکری خود را ارزیابی کرده و آنها را برطرف کنند. درمقابل، کسانی که ذهنیت ثابت دارند در مورد هر عملکردی یک قضاوتی دارند، این امر باعث می‌شود وقتی به کار یا مسئله دشواری برخورد کنند که از عهده آن بر نمی‌آیند، به صورت نامحسوسی از انجام آن کار دوری می‌کنند؛ به عنوان مثال کسانی که دارای ذهنیت ثابت هستند، وقتی در درسی ضعیف هستند، از شرکت در کلاس آن درس دوری می‌کنند. در مقابل، ذهنیت رشد به دانشجویان این امکان را می‌دهد که آگاه باشند با تلاش بیشتر می‌توانند پیشرفت کنند. در مورد فروتنی فکری ذهنیت رشد به ما کمک می‌کند در مورد نقاط ضعف و محدودیت‌های فکری خود صادق باشیم و در عین حال، بپذیریم که می‌توانیم، هر چند اندک، پیشرفت کنیم (King, 2021, p. 122). بنابراین مهم است که نقاط ضعف فکری خود را بپذیریم، اما پذیرش این امر نباید باعث شود که ما در مواجهه با ناملایمات و چالش‌های فکری، دست از تلاش خود برداریم، بلکه باید سخت‌تر کار کرد تا در اکتساب دانش، مهارت‌های لازم را به دست آورد و بهتر عمل کرد.

1. Growth Mindset
2. Carol Dweck

نتیجه گیری

به کارگیری فضایل فکری یکی از جدیدترین و مهم‌ترین مسائل در معرفت‌شناسی فضیلت معاصر است. هدف این مطالعه، توجه به مفهوم فروتنی فکری در امر آموزش با استفاده از پژوهش‌های که به‌تازگی در زمینه معرفت‌شناسی فضیلت به‌ویژه رویکرد مسئولیت‌گرایی مطرح‌شده، بود. فروتنی فکری یکی از فضیلت‌های فکری مهم و چالش‌برانگیز است که در معرفت‌شناسی فضیلت بسیار بر آن تأکید شده است. گرچه دربارهٔ چیستی این فضیلت اجماع وجود ندارد، می‌توان گفت فروتنی فکری دارای سه جزء کلیدی است: الف) توجه به محدودیت‌ها و نقاط ضعف فکری خود، ب) ارزیابی دقیق از ضعف‌های فکری خود، ج) مدیریت و تسلط بر نقاط ضعف و نقاط قوت خود. کسی که از فروتنی فکری برخوردار است این سه جزء در وی نهادینه شده و به صورت مداوم آنها را از خود نشان می‌دهد و این کار را با انگیزه دستیابی به حقیقت انجام می‌دهد. از آنجا که هر چه انسان به لحاظ فکری فروتن‌تر باشد، میل به اکتساب دانش در وی تقویت می‌شود و موقعیت بهتری برای یادگیری مطالب کسب می‌کند و متصف بودن به این فضیلت باعث می‌شود که اساتید و دانشجویان در معرض تکامل دائمی قرار گیرند، آموزش فروتنی فکری به دانشجویان یکی از مهم‌ترین وظایف اساتید است و جایگاه آن در کمک به دانشجویان برای خودکفایی و کسب آمادگی برای دوران بزرگسالی و نقش مهم آن در زندگی سیاسی و اجتماعی بدون جایگزین است. هرچه دانش‌آموزان و دانشجویان از فروتنی فکری بیشتری برخوردار باشد و آگاه به محدودیت‌های فکری خود باشد، این امکان برای آنها فراهم است که از هم‌کلاسی‌ها و اساتید خود مطالب بیشتری بیاموزند. بدین منظور در کلاس‌های درسی که هدفشان پرورش فضیلت فروتنی فکری در دانش‌آموزان و دانشجویان است، می‌توان روش‌هایی را مانند نامگذاری ردایلِ مقابلِ فروتنی، شبیه‌شدن به الگوها، مدل‌سازی فروتنی فکری، تمرین سخاوت‌مندی و سپاسگزاری، پرورش ذهنیت رشد اتخاذ نمود. پذیرش و به‌کار بردن فروتنی فکری می‌تواند یک گام روبه‌جلو در کمک به شکاف بین ارزش‌ها و رفتارهای فرد باشد که این امر نیز می‌تواند به مردم کمک کند تا از رفتار غیر اخلاقی در امور معرفتی جلوگیری کنند و رفتار فضیلت‌مندانه را فعال کنند. فروتنی فکری به اندازه کافی به انسان کمک می‌کند در مسیر حقیقت گام بردارد. همچنین برای رسیدن به درک و فهم عمیق نیز مفید است و می‌توان آن را پرورش داد. البته این نکته را باید در نظر داشته باشیم که برخورداری از فروتنی فکری، در همه شرایط و مکان‌ها باعث نمی‌شود که فرد به حقیقت دست پیدا کند.

منابع

- افلاطون. (۱۳۸۰). دوره آثار افلاطون. ترجمه محمد حسن لطفی. جلد دوم. تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ سوم.
- الدر، لیندا؛ ریچارد پل. (۱۳۹۸). آشنایی با هنر پرسشگری بر اساس تفکر انتقادی و اصول سقراطی. ترجمه علی صاحب زمانی. تهران: نشر اختران، چاپ دوم.
- الدر، لیندا؛ ریچارد پل. (۱۳۹۹). تفکر انتقادی. ترجمه اکبر سلطانی و مریم آقازاده. تهران: نشر اختران، چاپ سوم.
- باتلی، هتر. (۱۳۹۷). فضیلت: بررسی های اخلاقی و معرفت شناختی. ترجمه امیرحسین خداپرست. تهران: نشر کرگدن.
- تک فلاح، مهدیه؛ آل بویه، علیرضا؛ آیتی، سید محمدرضا. (۱۳۹۷). «نقش فضیلت عقلانی تواضع فکری در فرآیند استنباط احکام شرعی». نقد و نظر. سال بیست و سوم شماره ۴، صص ۵-۲۷.
- جاهد، محسن، سحر کاوندی، جلیل رحمانی. (۱۳۹۳). «تحلیل تواضع براساس اندیشه های فیلسوفان اخلاق معاصر غربی». فصلنامه پژوهشنامه اخلاق. شماره ۲۶: صص ۷۹-۹۴.
- خداپرست، امیرحسین. (۱۳۹۷). باور دینی و فضیلت عقلانی: تحول اخلاق باور دینی در تعامل با معرفت شناسی فضیلت گرایانه زاگزبسکی. تهران: انتشارات هرمس.
- دشت بزرگی، زهرا. (۱۳۹۶). «نقش عفو، سپاسگزاری و تواضع در پیش بینی بهزیستی روانی سالمندان». پژوهشنامه روانشناسی مثبت، سال سوم، شماره دوم پیاپی (۱۰): صص ۶۵-۷۶.
- رحمانی، جلیل، محسن جاهد و سحر کاوندی. (۱۳۹۲). تحلیل تواضع براساس اندیشه های فیلسوفان اخلاق معاصر غربی. تأملات فلسفی. سال سوم شماره یازدهم: صص ۷۳-۹۶.
- ریچلز، جیمز. (۱۳۹۶). عناصر فلسفه اخلاق. ترجمه محمود فتحعلی و علیرضا آل بویه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- شمشادی، هه تاو، سیده منوره یزدی و شکوه السادات بنی جمالی. «اتریخشی آموزش برنامه مبتنی بر سپاسگزاری بر کاهش اضطراب وجودی دانشجویان». مطالعات روانشناختی، دوره ۱۴، بهار ۱۳۹۷: صص ۲۳-۴۲.
- صادقی، مسعود. (۱۴۰۰). فصلنامه اخلاق پژوهی. تحلیل سه تلقی و تعریف از تواضع. رویکردهای ارسطو، آگوستین و جولیا درایور. سال سوم شماره هشتم: صص ۸۹-۱۰۹.
- فرانکنا، ویلیام کی. (۱۳۷۶). فلسفه اخلاق. ترجمه هادی صادقی با مقدمه مصطفی ملکیان. تهران: مؤسسه فرهنگی طه.
- کاوندی، سحر و محسن جاهد. (۱۳۹۴). فصلنامه پژوهش های اخلاقی. چيستی تواضع: بررسی تطبیقی دیدگاه های اخلاقیون مسلمان و فیلسوفان اخلاق غربی. سال پنجم شماره سوم: صص ۹۵-۱۱۳.
- میراحمدی، صادق. (۱۴۰۰). فصلنامه تأملات اخلاقی، بررسی اهمیت فضایل فکری در آموزش و چگونگی اکتساب

- Aristotle. (1941). *Nicomachean Ethics*. Trans. W. D. Ross. In McKeon 1941.
- Baehr Jason. (2011). *Inquiring Mind (On intellectual Virtue and Virtue Epistemology)*. Oxford University Press.
- _____. (2016). *Intellectual virtues and Education Essays in Applied virtue Epistemology*. New York and London. Routledge.
- Barrett. Justin I. (2017). *Intellectual Humility*. The Journal of positive psychology. Routledge Taylor & Francis Group. pp 1-2.
- Dweck. Carol. (2006). *Mindset: The new Psychology of Success*. New York Random House.
- King, Nathan L. (2021). *The Excellent Mind: Intellectual Virtues for Everyday Life*. Oxford university press.
- Kotzee, B. (ed.) (2014). *Education and the Growth of Knowledge: Perspectives from Social and Virtue Epistemology*. Oxford: Wiley-Blackwell
- Pritchard, Duncan. (2020). *Educating for Intellectual Humility and Conviction*. Journal of Philosophy of Education, Vol. 54, No. 2. pp 398-409.
- Roberts, R and wood W.J. (2007). *Intellectual Virtues: An Essay in Regulative Epistemology*. Oxford: Clarendon Press
- Roberts, R. (2003). *Emotions: An Essay in Aid of Moral Psychology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Roberts, Roberts. (2016). *learning Intellectual Humility*. in *Intellectual Virtues and Education Essays in Applied Virtue Epistemology*. Edited by Jason Baehr. New York and London: Routledge.
- Siegel. Harvey. (2016). *Critical Thinking and the Intellectual Virtues*, in *Intellectual virtues and Education Essays in Applied virtue Epistemology*, New York and London, Routledge.
- Turri, John and Ernest Sosa. *Virtue Epistemology*. Forthcoming in the *Encyclopedia of philosophy and the Social Sciences* (sage).
- Zagzebski, Linda. (1996). *Virtues of the Mind: An Inquiry into the Natur of Virtue and Ethical Foundations of Knowledge*. (New York: Cambridge University Press), second edition.
- _____. (2009). *On Epistemology*. Wadsworth Cengage Learning.

- Whitcomb, Dennis .Heather Battaly, Jason baehr, Daniel howard-snyder. (2015).
“Intellectual Humility: Owing Our Limitations” Philosophy and phenomenological
Research, vol. 91, No.1.
- Wright, Sara. (2009). *The Proper Structure of the Intellectual Virtues*. The Southern
Journal of Philosophy. Vol. XII. pp 91-111.